

## پیشگفتار

سکه ها از بی نظیرترین اشیاء باستانی هستند که با وجود اندازه کوچک خود تا اندازه زیادی اطلاعات ما را نسبت به دوره مربوطه بالا می برد. از ویژگی های منحصر به فرد سکه ها این است که توسط دستگاه امپراطوری یا حکومت ضرب می شود و بدین ترتیب داده های رسمی و متقن را در اختیار ما قرار می دهد. که از این نظر با کتیبه ها و متون رسمی قابل قیاس است چه خود نیز در بسیاری از موارد خالی از متن نیست. از سکه ها می توان اطلاعات بسیار زیادی از جمله : تاریخ، مکان ضرب، نام پادشاه یا حاکم، جنس سکه و به تبع آن ارزش سکه، المان های مورد توجه و بسیاری موارد دیگر کسب کرد که وجوه مختلفی از جمله نوع و کیفیت حکومت، آیین و مذهب رسمی و وضعیت اقتصادی را هویدا می سازد که در تحلیل های باستانی و تاریخی کمک شایانی به پژوهشگر می کند.

همچنین با توجه به جذابیت بصری سکه، این شیء از جمله اشیائی است که ویژگی های لازم برای جذب مخاطب عام را نیز داراست.

علاوه بر مطالب فوق نشانه ها و علائم به کار رفته به روی سکه ها نیز به دلیل رسمی بودن آنها از نظر بررسی اجتماعی و سیاسی آن دوره حائز اهمیت است.

پس از فروپاشی امپراطوری معظم هخامنشی که با شکوه ترین امپراطوری تا زمان خود بود و ورود اسکندر و به تبع آن گسیل شدن یونانی ها به داخل خاک ایران فرهنگ ایران زمین دارد فاز جدیدی می شود که ارتباط سیاسی و فرهنگی ایران و

یونان را به دنبال دارد که عمیق ترین فرهنگ ها و تمدن ها را در نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد داشتند و به دنبال آن سلسله سلوکیان در ایران تشکیل می شود که حکمفرمایی جانشینان اسکندر مقدونی بر جغرافیای ایران است. سکه های این دوره به خوبی اختلاط دو فرهنگ ریشه دار دنیای آن زمانی را نشا نمی دهد.

### کشف سکه

قبل از اختراع و بکار بردن سکه داد و ستد مردم از راه معامله و مبادله اجناس یعنی (پایاپای) انجام می شده است. در نقاشیها و حجاری های مصری طریقه معاملات بوضع مبادله نشان داده شده است یعنی باین طریق :

کشاورز - گله دار - عطار و غیره و ... جنس های خود را در مقابل دریافت اجناس دیگر رد و بدل می کردند - مثلاً در مقابل یک گوسفند و یا یک چهارپای دیگر مقداری گندم و یا ظروف سفالی و چرم و غیره معاوضه می کردند ولی بعد از قرنها گذشت زمان برای سهولت انجام معاملات ب فکر اختراع سکه افتادند.

سکه های نخستین بنابر تحقیق جامعه شناسان در جوامع ابتدائی قطعات مخصوصی از چرم و برگ و ساقه درختا و حتی قطعات قالب گرفته گل رس و نظایر آن بوده است و چون این نوع وسیله مبادله آسیب و حادثه پذیر بود از سفال پخته و قطعات سیلیسی (شیشه ناخالص و سنگهای مخصوص) استفاده نمودند بعدها که فلزات مختلف و بدوب و سنگهای مخصوص) استفاده نمودند بعدها که فلزات مختلف و

بذوب سنگهای معدنی حاوی فلزات گوناگون مخصوصاً مس و نقره و طلایی بردند از وجود آنها برای ضرب سکه استفاده کردند.

سکه عبارت است از مقدار فلزی با وزن معین که علامت رسمی مملکت بر روی آن منقوش بوده است. اولین مملکتی که سکه را ضرب کرد بنا بگفته (پولوکس) مورخ دوره امپراطوری (کومود) بوده است و یا بگفته (فیلوکور) آتنی که در قرن سوم میلادی می زیسته عقیده دارد که مخترع سکه (تزه) قهرمان افسانه ای بوده است و یا هردودت مورخ نامی یونان که در همان قرون می زیسته است عقیده دارد اولین کشوری که به ضرب سکه (طلا و نقره) اقدام نمود کشور پهناور لیدی بوده است امروزه بیشتر باستانشناسان و سکه شناسان عقیده هردودت را تأیید می کنند.

قدیمی ترین سکه لیدی سکه ای است که به شکل مربع مستطیل که از آلیاژ طلا و نقره درست شده است. (الکتروم) در بعضی از سکه های لیدی نقش حیوانات اهلی و یا وحشی مشاهده می شود، البته این بی دلیل نیست چون عکس هر کدام از این حیوانات علامت شهر و یا مظهر یکی از خدایان محلی بوده است در ۷۰۰ سال قبل از میلاد در جزیره (آزین) سکه های نقره ای ضرب شده که عکس لاک پشت دریائی بر روی آن منقوش شده است.

بعد از مدتی ایرانیان ضرب سکه را از لیدی تقلید کردند البته در دوره سلطنت کوروش و کمبوجیه هم ضرب سکه در کشور لیدی رایج بوده است ولی آنها سکه ضرب نکرده اند.

برای اولین بار در ایران داریوش کبیر پادشاه بزرگ هخامنشی سکه طلا را بنام (دریک) و سکه نقره را بنام (شکل) ضرب کرد و کشورهای دیگر مانند صور و صیدا از آنها یاد گرفتند در هندوستان قدیمی ترین سکه به شکل مربع مستطیل با عکس فیل و غیره دیده می شود که ضرب آنها به ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد نسبت داده شده است.

### طرز ضرب سکه در اولین ضرابخانه دنیای قدیم

در ابتدا استفاده مردم از فلز برای ساختن تیر و نیزه و خنجر و چرخ ارابه بوده است بعد از مدتی با پیشرفت تمدن، بشر ب فکر ضرب سکه افتاد که از فلز برای ساختن سکه استفاده کند. طرز استفاده از فلز برای ضرب باین طریق بوده است. نخست فلز مورد نظر را ذوب می کردند و بعد به قطعات کوچکی به شکل بیضی در می آوردند و وزن می کردند و بعد بر روی آن علامت رسمی دولت را که دلیل تضمین بهاء و وزن فلز بوده است نقش می کردند ولی چون این طریق ضرب بسیار دشوار بود و نمی توانستند مقدار زیادی ضرب کنند از طریق معمول ضرب سکه در کشورهای مقدونیه و آتن استفاده کردند.

بدین قرار جعبه ای ساخته بودند به شکل مربع مستطیل از جنس مس یا برنز که در آن خانه های زیادی وجود داشت که تقریباً شکل و اندازه های واحدی داشتند و بوسیله یک شیار بهم مربوط می شدند برای ضرب سکه در جعبه را می بستند فلز

مورد نظر را ذوب می کردند و از آن شیار به داخل جعبه می ریختند و چون خانه ها یکی بعد از دیگری پر می شد پس از خنک شدن قالب در جعبه را باز می کردند و فلزها را از خانه ها بیرون می آوردند و برای اینکه بر روی سکه علامت رسمی کشور را منقوش کنند از یک فلز استوانه شکل که یک انتهایش علامت رسمی کشور بطور فرو رفته حکاکی شده بود. بر روی فلز نیم گرم می گذاشتند و با یک چکش چند بار بر روی آن می کوفتند تا اثری از آن بر روی فلز نقش بندد. چون چندین بار تکرار عمل قالب استوانه و نقش سر آن سائیده می شد مجبور بودند استوانه دیگری بسازند. ناگفته نماند سکه هائی با ارزش و بی نظیر است که سر سکه آنها هنرمندان چیره دست ساخته باشند.

### دین و مذهب

تنها امری که از مشاهده سکه های باستانی بدست می آید موضوع دین و اهمیت آن از نقطه نظر پادشاهان و فرمان روایان بوده است زیرا پادشاهان علاوه بر سلطنت پیشوای حکومت دینی بودند و در حقیقت امر تبلیغ و ترویج و حمایت دینی را که پیرو آن بودند نیز بر عهده داشتند از ملاحظه سکه هائی که بدست آمده است چنین استنباط می شود که هر دولتی که اقدام بضرب سکه نموده است نقش خدایان را از صور اصلی رویه ای از سکه قرار داده و و صورت خیالی این خدایان بر روی کارآمدن سلسله جدیدی در یک کشور عوض می شده است. نقش سکه های

هخامنشی با انقراض آنان بدست اسکندر یونانی تغییر یافت و مسکوکاتی که از عهد اسکندر باقی مانده نقش خدای یونانی را بر روی تخت سلطنت (زنوس) نشان می دهد که عصای سلطنت و قدرت و فرمان روائی را بدست چپ گرفته و دو فرشته (موکل الهه فتح و پیروزی) تاج سلطنت را بدست راست وی می دهد همین طور در بعضی از سکه ها نقش معابد که خدایان مورد پرستش در آن قرار می گرفته اند دیده می شود. در کتیبه ها و سنگ نوشته های بدست آمده از دوران هخامنشیان نیز نقش اهورامزدا و کیفیت ستایش او بخوبی معلوم و آشکار می گردد و مخصوصاً ملاحظه می شود که چگونه اهورامزدا تاج قدرت و سلطنت را بشاهنشاه ایران اعطاء می کند. خدایان ملل تابعه دوران هخامنشی نیز مورد احترام و ستایش و از نظر پادشاهان این سلسله قابل تقدیس بوده است.

#### اسامی شاهان سلوکی

سال سلوکی	قبل از میلاد	
۳۱-۶	۲۸۱-۳۱۲	سلوکوس اول
۵۱-۳۱	۲۶۱-۲۸۱	آنتیوکوس اول (بزرگ)
۶۶-۵۱	۲۴۶-۲۶۱	آنتیوکوس دوم
۸۶-۶۶	۲۲۶-۲۴۶	سلوکوس دوم
۸۵	۲۲۷	آنتیوکوس هیراکسر

۹۰-۸۶	۲۲۲-۲۲۶	سلوکوس سوم
۹۰	۲۲۲	آنتیکوس (پسر سلوکوس سوم)
۱۲۶-۹۰	۱۸۷-۲۲۲	آنتیوکوس سوم
۹۲-۹۰	۲۲۰-۲۲۲	مولون
۹۷-۹۰	۲۱۵-۲۲۲	آکتوس
۱۳۸-۱۲۶	۱۸۵-۱۸۷	سلوکوس چهارم
۱۴۹-۱۳۸	۱۶۴-۱۷۵	آنتیوکوس چهارم
۱۵۱-۱۴۹	۱۶۲-۱۶۴	آنتیوکوس پنجم
۱۶۲-۱۵۱	۱۵۰-۱۶۲	دمتریوس اول
۱۶۷-۱۶۲	۱۴۵-۱۵۰	اسکندر بالا (اول)
۱۷۵-۱۶۶	۱۳۸-۱۴۶	دمتریوس دوم
		(دوره اول سلطنت)
۱۷۰-۱۶۷	۱۴۲-۱۴۵	آنتیوکوس ششم
۱۷۴-۱۷۰	۱۳۹-۱۴۲	تریفون
۱۸۳-۱۷۴	۱۲۹-۱۳۸	آنتیوکوس هفتم
۱۸۷-۱۸۲	۱۲۵-۱۳۰	دمتریوس دوم
		(دوره دوم سلطنت)
۱۹۰-۱۸۴	۱۲۳-۱۲۸	اسکندر دوم

۱۸۶	۱۲۵	سلوکوس پنجم
۲۱۶-۱۸۷	۹۶-۱۲۵	آنتیوکوس هشتم
۲۱۷-۱۹۶	۹۵-۱۱۶	آنتیوکوس نهم
۲۱۷-۲۱۶	۹۵-۹۶	سلوکوس ششم
۲۲۹-۲۱۸	۸۳-۹۴	آنتیوکوس دهم
۲۲۰	۹۲	آنتیوکوس یازدهم
۲۲۹-۲۲۰	۸۳-۹۲	فیلیپ اول
۲۲۵-۲۱۷	۸۹-۹۵	دمتریوس سوم
۲۲۸-۲۲۵	۸۴-۸۹	آنتیوکوس دوازدهم
۲۴۸-۲۴۳	۶۴-۶۹	آنتیوکوس سیزدهم
۲۴۸-۲۴۴	۶۴-۶۸	فیلیپ دوم

در زمان دمتریوس دوم جنگها و رقابتهای داخلی اساس و استحکام دولت سلوکی ر متزلزل کرد و از دوره سلوکوس ششم انحطاط و سقوط آنها قطعی گردید و هر یک از شاهزادگان چند روزی در منطقه ای حکومت کردند تا سرانجام وقتی آنتیوکوس سیزدهم در سال ۶۴ قبل از میلاد مطابق ۲۴۸ سال سلوکی کشته شد و تمام آن منطقه بدست سردار رومی پومپه افتاد و جزو متصرفات روم گردید.



## سکه های سلوکیان

هنگامی که فیلیپ دوم پادشاه مقدونیه در سال ۳۳۶ قبل از میلاد نقشه جنگ با ایران را می کشید و وسایل و تجهیزات حمله را فراهم می کرد، کشته شد و پسرش اسکندر دوم در سال ۳۳۵ قبل از میلاد به سلطنت رسید فتوحات اسکندر و شکست شاهنشاهی معظم ایران نه تنها وضع سیاسی و اجتماعی دنیای آنروز را دگرگون ساخت بلکه از لحاظ اقتصادی انقلابی بس عظیم تولید کرد زیرا دولت مقدونی بسیار فقیر بود و دستگاه مالی آن، بواسطه جنگهای پی در پی فیلیپ و مخارج لشگریان، روبرو شکستگی می رفت.

موقعی که اسکندر بسطنت رسید در خزانه مقدونی فقط ۶۰ تالان سکه نقره و چند ظرف طلا و نقره موجود بود. لذا اسکندر برای تهیه وسایل جنگی مجبور بقرض شد. ولی این فقر مالی دوامی نکرد و با تسخیر مناطق مهم و شهرهای آباد و پرثروت مانند بابل و شوش و تخت جمشید و اکباتان، غنایم و ذخایر بیشمار بدست آورد. عده ای از مورخان عقیده دارند که حمله اسکندر بایران و همراهی یونانیها برای از بین بردن شاهنشاهی هخامنشی صرفاً جنبه اقتصادی داشته و منشاء آن خصومت و رقابت تجارتي برای کوتاه کردن دست پارسیها از حوزه مدیترانه و درهم شکستن قدرت مالی آنان بوده است. اگر چه این موضوع نمی تواند دلیل قاطعی بر حمله اسکندر باشد، ولی باید آنرا یکی از علل هجوم مقدونیها به ایران دانست.

اسکندر پس از فتح ایران تمام سعی خود را بکار برد که ارتباط بین مقدونیه و یونانیه و ایرانیها قرین دوستی باشد زیرا با فراست دریافته بود که شاهنشاهی ایران گرچه در ظاهر شکست خورده و از هر جهت پراکنده شده است ولی چون ریشه کهن و تمدنی قوی و قدیمی دارد اداره کردن آن بسهولت ممکن نیست و بهترین روش و سیاست فرو نریختن دستگاه اداری و مالی و ادامه طرز سابق می باشد، بنابراین تقسیمات ایالات و ساتراپی ها بهمان نحو بدست بزرگان ایرانی بود و فقط در مواقع لزوم افسران مقدونی در امور شرکت می جستند و مالیاتها هم مانند دوره هخامنشی بوسیله فرمانروایان، اخذ می گردید.

اولین قدم اصلاحی اسکندر برای سهولت جریان امور اقتصادی در مناطق متصرفی ترتیب جدیدی بود که تناسب و ارزش پول ایران و یونان را مساوی می کرد. چنانکه سابقاً گفته شد ترتیب پول طلا و نقره هخامنشی بتناسب یک در یک طلا در مقابل ۲۰ سیکل نقره بود و استاتر طلا ارزش ۲۴ درهم نقره را داشت لذا او استاتر طلا را مساوی در یک هخامنشی کرد و استاتر طلا ارزش ۲۰ درهم نقره را پیدا نمود.

فتوحات اسکندر در ایران باعث متوقف شدن کلیه ضرابخانه ها نگردید و در یک طلا مانند گذشته رواج داشت و مزد سربازان و مزدوران با آن پرداخت می شد، و (شکل) سکه نقره هخامنشی در معاملات و کسب و داد و ستد بکار می رفت و حتی بعضی از سکه شناسان از جمله ارنست بابلون فرانسوی عقیده دارد که نه تنها در یک و سیکل

در این دوران رواج کامل داشت بلکه نیم در یکی و دو در یکی هم در زمان اسکندر ضرب خورده است.

البته بسیاری از فرمانروایان چه آنهایی که در سمت خود ابقاء شدند و چه افرادی که اسکندر جدیداً آنها را منصوب کرد، در محل فرمانروائی خود اجازه ادامه ضرب سکه محلی نداشتند ولی بعضی از آنها مانند، مازه فرمانروای بابل، سکه زدند.

سکه های مازه چنانکه شرحش در قسمت فرمانروایان هخامنشی داده شد بدین وضع است. در روی سکه بعل، که بعدها در سکه های سلوکیها زئوس خدای یونانی خوانده شده است، بر روی چهار پایه ای نشسته و در پشت سکه نقش شیری که در حال راه رفتن است دیده می شود. پس از مازه فرمانروایان دیگری نیز تا مدتی بضرع این نوع سکه ها ادامه دادند که علامات روی سکه تا حدی مشخص نام آنها می باشد.

بر سکه های هیراپولیس نام اسکندر بخت آرامی بر روی آن نقره است. دو درهمی بوزن ۸/۰۲ گرم که روی آن خدای بعل بر تخت نشسته است و پشت سکه مردی سوار بر اسب در حال پرتاب نیزه می باشد و نام اسکندر در حاشیه سکه قرار دارد.

آنچه در این دوره از لحاظ هنری قابل توجه است اختلاط دو تمدن ایران و یونان در یکدیگر می باشد که بهترین شاهد، سکه های این زمان است و سکه های اسکندر فاتح مقدونی و سردارانش از این تأثیر بی نصیب نبوده است.

سکه های اسکندر بواسطه تنوع و نقش و زیبایی، بسیار جالب است و قسمتی از آنها که قطعاً سر سکه اش را صعنتگری توانا و چیره دست تهیه کرده است جزء

شاهکارهای هنری می باشد. درباره سکه های اسکندر و تصویر وی بر روی آنها عقاید مختلفی مورد بحث است. بعضی نقش سکه را تصویر حقیقی او می دانند که بصورت یکی از خدایان جلوه گر شده است و برخی آنرا تصویر خیالی یکی از خدایان المپ فرض می کنند. زیرا سکه های متعدد و متنوع اسکندر، از لحاظ نقش و تصویر یکسان و شبیه نیستند ولی آنچه منطقی تر و بصحت نزدیکتر می آید، این است که در ابتدا نقش سکه های اسکندر، بخصوص استاترهای طلای کلاه خود بسر و چهار درهمی های او که در یونان و مقدونیه ضرب خورده و از لحاظ هنری بسیار جالب است، تصویر حقیقی او بوده است ولی طول مدت (زیرا در حدود یک قرن و نیم پس از مرگ اسکندر ضرب سکه های وی ادامه داشته است) و ضرب های مکرر و ضربخانه های شهرهای یونان و آسیای صغیر و مصر و ایران و حتی هند، سرزمینی که سپاهیان اسکندر خود را به آنجا رساندند، موجب شد که از شباهت تصویر اولی، اثری باقی نماند.

سکه های اسکندر بدین طرح می باشد :

استاتر طلا که یک طرف آن تصویر اسکندر بوضع آتنا با کلاه خود بچشم می خورد و در طرف دیگر الهه فتح با بالهای گشاده ایستاده است.

چهار درهمی های معروف که تصویر نیم تنه اسکندر بطرز هراکلس که کلاهی از پوست شیر نمه بسر دارد، بر روی آنها نقش شده است و در پشت سکه زئوس خدای

بزرگ یونان بر روی تخت نشسته و عصای قدرت و سلطنت مطلق را بدست گرفته

است و نام اسکندر بخت یونانی :

در کنار سکه نقره است.

چهار درهمی بوزن ۱۶/۵۰ گرم (ش ۹۶). اسکندر چون خود را فرزند خدایان

می دانست علاقمند بود که بصورت آنان بر روی سکه ظاهر شود لذا پوست شیر

نمه را که مظهر هراکلس است بجای کلاه بکار برد و پس از فتح مصر بر روی پوست

شیر، شاخ قوچ، که مظهر خدای آمون است، بجای کلاه بکار رفته است.

درهم و نیم درهمی های اسکندر نیز از حیث نقش مانن چهار درهمی ها می باشد.

درهم بوزن ۴/۱۰ گرم (ش ۹۷) و ابول ( $\frac{1}{16}$  درهم) بوزن ۰/۶۵ گرم است.

سکه های فاتح مقدونی که خارج از یونان ضرب خورده است و بضرب آسیائی

معروف است ، تحت نفوذ هنر محلی قرار گرفت و از لحاظ نقش و نوشته، متفاوت می

باشد. نوشته این سکه ها بخت یونانی و یا آرامی است و گاهی بجای عقاب، که

معمولاً در پشت سکه بر دست زئوس قرار دارد، نیم تنه اسب منقور است و در کنار

سکه خوشه گندم و یا لنگر و شاخه گل و علامات مختلف ضرابخانه بر روی اغلب

آنها مشاهده می شود.

در حفاری سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ هیئت مشترک علمی ایران و انگلیس در بازارگاد، تعدادی چهاردرهمی و درهم اسکندر و سلوکوس اول بدست آمده است که از لحاظ نقش و ضرب بسیار جالب می باشد و بدون تردید سر سکه آنها بوسیله هنرمند قابلی تهیه گردیده است. بنابر تحقیق، سکه های اسکندر، مکشوفه در بازارگاد، ضرب شهرهای شوش و بابل و اکباتان و کاپاد و کیه و آراد است یکی از چهار درهمی ضرب آزاد بدین ترتیب است :

روی سکه - تصویر اسکندر

پشت سکه - زئوس روی تخت نشسته و علامت ضرابخانه در زیر تخت قرار دارد و نام اسکندر در پشت زئوس کنار سکه نقره است.

وزن سکه - ۱۶/۵ گرم است.

پس از مرگ اسکندر و تقسیم متصرفات او بین سرداران، در وضع سکه تغییری پیدا نشد و اغلب آنها مانند کاساندر و آنتی گون و لیزیماک و بطلمیوس بهمان طرز اسکندر سکه زدند و فقط نام آنها بجای نام اسکندر گذاشته شده است.

مثلاً در سکه های کاساندر و آنتی گون تصویر، همان تصویر اسکندر است و سکه های لیزیماک مانند چهار درهمی های اسکندر دارای تزئین سرباشاخ قوچ آمون خدای مصر است ولی نقش صورت تصویر حقیقی او می باشد.

بطلمیوس در مصر بضرپ سکه هایی نظیر سکه های اسکندر اقدام کرد ولی از سال

۳۰۶ قبل از میلاد ببعد تغییر محسوسی در نقش سکه های او دیده می شود.

سلوکوس (۲۸۰-۳۱۲ قبل از میلاد) در ابتدا مانند لیزیماک نظیر سکه های اسکندر با

نام خود سکه زد حتی در سال ۳۱۲ قبل از میلاد که سال تسخیر مجدد بابل و مبدأ

سال سلوکیهاست و سلوکوس در نهایت قدرت بود، بر روی سکه فقط بنام خود اکتفا

کرد و عنوانی بکار نبرد ولی شش سال بعد یعنی در سال ۳۰۶ که خود را شاه خواند،

عنوان شاه را بنام خود بر روی سکه افزود.

سکه های سلوکوس بسیار زیبا و خوش نقش و از حیث طرح متنوع می باشد. استاتر

طلا بوزن ۸/۶۰ گرم که در یک طرف تصویر آتنا با کلاه خود کرتتی و طرف دیگر الهه

فتح، منقوش است.

چهار درهمی بوزن ۱۶/۷۰ گرم

بر روی سکه - تصویر نیم رخ سلوکوس با کلاه خود، که با شاخ گاومیش تزئین شده

دیده می شود و پشت سکه الهه فتح در مقابل غنائم جنگی که عبارت از کلاه خود و

سپر وزره است ایستاده و با شاخه خرزهره، که آنهم علامت فتح است، آنها را تقدیس

می کند، در حاشیه سکه نام شاهزاده سلوکی و در زیر الهه علامت ضرابخانه نقره

است.

چهار درهمی هائی از سلوکوس اول با کلاه خود و علامت فتح در سال ۱۳۴۲ در

پازارگاد، کشف گردید که از لحاظ هنری بسیار با ارزش می باشد.

اینک نمونه ای از آنها.

روی سکه - تصویر نیم رخ سلوکوس با کلاه خود.

پشت سکه - علامت فتح بصورت کاملی نقش است و نام سلوکوس بخط یونانی

در دور سکه قرار دارد و بین الهه و غنائم جنگی علامت ضرابخانه، نقر است.

وزن سکه - ۱۶/۸ گرم

چهار درهمی های سلوکوس با تصویر هراکلس که پوست شیرنمه را بسر دارد،

مانند سکه های اسکندر می باشد.

استاتر طلا بوزن ۸/۶۰ گرم

روی سکه تصویر سلوکوس و در پشت آن سر اسب که با دو شاخ گاو تزئین شده

است، و نام سلوکوس بخط یونانی در حاشیه سکه قرار دارد.

سکه های دیگری از سلوکوس موجود است با نقش نیم تنه اسب در یک طرف و لنگر

در طرف دیگر، و یا سکه بسیار جالبی که بر روی آن نقش زئوس می باشد و در

پشت سکه، آتنا سوار بر گردونه ای است که چهار فیل آنرا می کشند.

بر روی اغلب سکه های سلوکوس علامت لنگر و علامات متنوع دیگری منقوش است.

پس از مرگ سلوکوس در ۲۸۰ قبل از میلاد، شاهان سلوکی یکی پس از دیگری در

طول سلطنت خود یعنی تا سال ۸۴ قبل از میلاد سکه زدند که تقریباً از لحاظ طرح

بیکدیگر خیلی شبیه بودند. بر روی سکه، تصویر حقیقی آنها و در پشت سکه بیشتر



نقش زئوس یا آپولون نقر است. در بین سکه های این پادشاهان سکه های آنتیوکوس

بزرگ و دمتریوس اول و اسکندر بالا، از لحاظ هنری قابل توجه می باشد.

چهار درهمی آنتیوکوس اول روی سکه - تصویر نیم رخ آنتیوکوس

پشت سکه - آپولون بر روی تخت نشسته و دو علامت و نام شاه سلوکی بخط

یونانی در کنار سکه نقر است.

وزن - ۱۶ گرم

درهم آنتیوکوس اول بوزن ۴ گرم، که از حیث طرح نظیر چهار درهمی می باشد.

چهاردرهمی دمتریوس اول روی سکه - تصویر نیم رخ دمتریوس

پشت سکه - زئوس بر تخت نشسته است و در طرفین او نام دمتریوس و سه علامت

نقره است :

وزن - ۱۷ گرم

چهاردرهمی اسکندر بالا

روی سکه - تصویر بسیار زیبای شاه سلوکی

پشت سکه - زئوس بر تخت نشسته و در دست چپ عصای سلطنت و قدرت را

بدست گرفته است و در دست راست او الهه فتح که تاجی باو تقدیم می کند قرار دارد.

در طرفین زئوس در چهار ردیف نام و القاب اسکندر بالا نقر است.

وزن - ۱۶/۶۵ گرم

سلوکی ها که از سال ۲۵۰ قبل از میلاد از یکسو گرفتار پارت ها و از سوی دیگر گرفتار باختریان بودند در سالهای بعد بواسطه گرفتاریهای داخلی و جنگهای پی در پی با مصریها و دولتهای آسیای صغیر و زمینها و پارتی ها بقدری ضعیف شدند که مدتی فقط قسمتی از سوریه را در دست داشتند. ولی سرانجام وضع آنها بانقراض منتهی گشت. بر روی سکه های سلوکی که در ابتدا نام شاه و القاب او بخط یونانی بود از زمان آنتیوکوس چهارم علاوه بر خط یونانی گاهی خط آرامی نیز بکار برده شد.

بر روی سکه های سلوکی اغلب علامت ضرابخانه و سال ضرب، بسال سلوکی، و گاهی اول اسم شهری که سکه در آن ضرب شده قرار دارد.

سلوکیها علاوه بر نقره که بمقدار زیادی سکه زدند طلا و مس نیز بکار بردند و طلا را بیشتر برای تجارت با هند، سکه می زدند لذا پس از آنکه نواحی شرقی و هند از تصرف سلوکیها خارج گردید، سکه طلا هم جای خود را تقریباً بنقره واگذار کرد و بندرت در مواقع بخصوص یا پیش آمدی فوق العاد از آن برای سکه استفاده شد.

چنانکه استتر آنتیوکوس سوم که ضرب ضرابخانه انطاکیه می باشد متعلق بزماملی است که آنتیوکوسوس از فتح شرق و باختر برگشته است و استتر طلا در حقیقت مانند مدالی می باشد که او در پایتخت بمناسبت پیروزی، منتشر کرده است.

استتر طلای دمتریوس اول که تصویر شاه و ملکه لائودیسه بر روی آن منقوش است  
بمناسبت عروسی آندو، ضرب شده است. برای آخرین بار در زمان اسکندر دوم  
سلوکی، سکه طلا در انطاکیه رایج شد و آنهم موقعی است که شهر تحت محاصره  
قرار گرفت و اسکندر دوم برای نجات خود از خزانه معبد زئوس مقداری طلا برداشت  
و برای پرداخت مزدوران و سربازانی که هنوز با او همراه بودند سکه زد.

بنابراین، برای جریان معاملات داخلی، سکه های نقره بکار می رفت و سکه های  
آندوره بنا بر وزن آتیک بوده است. چهار درهمی ها بوزن تقریباً ۱۷ گرم و درهم ۴  
گرم، ولی هر قدر ستاره قدرت سلوکیها بافول میرفت، سکه هم نظم و وزن ثابت را از  
دست می داد، بطوری که از دوره دمتریوس اول چهار درهمی ها تقریباً بوزن ۱۵  
گرم می رسند.

بجز سکه های چهاردرهمی و درهم نقره بمقدار کمتری، سکه های کوچکتر در این  
دوران ضرب شده است ولی برای تقسیمات کوچکتر برنز بکار برده شده است و  
مورخان آندوره سکه های برنزی را علامت بیچارگی و تنگدستی معرفی کرده اند.  
سکه های برنزی محلی بود و فقط در شهری که ضرب شده بود، مورد معامله قرار  
می گرفت و تناسب نقره و مس بنابر نسبت ۱ به ۵۰ بوده است.

نقوش سکه های برنزی بسیار متنوع و جالب است و بهترین نمونه آنها سکه های  
سلوکی دجله است که تعداد زیادی از آنها در حفاریای شوش بدست آمده است.  
نقوش روی سکه بنابر میل هنرمند حکاک یا مدیر ضربخانه و یا دستور زمامدار

محلّی نبوده بلکه نقش سکه ها انعکاس مذهب مردم هر شهری است که ضرابخانه در آن دائر بوده است.

بر روی سکه های سلوکیه دجله، نقش آرتمیسی کمان بدست یا الهه شهر دیده می شود که شاخه خرما بدست دارد و یا الهه بر روی تخت سنگی نشسته است. سکه سلوکی دجله بدون وقفه بهمین طرز در دوره اشکانی نیز ادامه پیدا کرده است. طرح چند علامت بر روی سکه های سلوکی



